

«شهروند» پای درد دل خانواده‌های قربانیان متروپل نشست

چشم انتظار معجزه



حالا هم هیچ خبری از او نداریم و نمی دانیم چه اتفاقی برایش افتاده است. ما چهار برادریم و سجاد برادر کوچکتر ما بود. از همان دقایق اول در صحنه هستیم و بی تأییم. هیچ کسی نمی تواند به آنها دسترسی پیدا کند و این ما را از ما می دهد.»

بازداشت انفور

در پی وقوع این حادثه ناگوار، دستگاه قضائی بلافاصله برای بررسی علل آن، پرونده قضائی تشکیل داد. در همین راستا نیز دادستان کل کشور طی دستوری خطاب به دادستان اهواز بر رسیدگی سریع و برخورد قاطع با متخلفان تأکید کرد.

اما از همان ساعات‌های اولیه این اتفاق تلخ، خبرهایی منتشر شد مبنی بر اینکه مالک و پیمانکار ساختمان متروپل آبادان با دستور دادستان آبادان دستگیر شده است. این در حالی است که گفته می شود دادستانی دستور دستگیری این فرد را صادر کرده بود. او اظهار نظری در خصوص دستگیری مالک ساختمان نداشت؛ تا اینکه صبح دیروز خبر رسید که مالک ساختمان نیز داخل این برج بوده و جانش را از دست داده است.

با این حال، دادستان عمومی و انقلاب خوزستان در این باره گفت: «تاکنون ۱۰ نفر از متخلفان پروژه و مسببان حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان با دستور قضائی بازداشت شده‌اند و دستور بازداشت تعداد دیگری نیز صادر شده است. شهردار فعلی آبادان، دو شهردار سابق و تعدادی از کارکنان شهرداری و ناظران دستگیر شده‌اند. مالک و پیمانکار اصلی ساختمان که دستور بازداشت وی نیز صادر شده بود در جریان ریزش ساختمان جان خود را از دست داده است.»

در جست و جوی کارگران، زیرزمین

در میان کسانی که زیر آوار مانده‌اند، کارگرانی هستند که در حال انجام کار در آن ساختمان مرگ بودند؛ کارگرانی که به گفته شاهدان، همگی به زیرزمین رفته و در آنجا محبوس شدند. منذر و حسن مطوری دو برادری بودند که کار جوشکاری می کردند. پسرخاله این دو کارگر درباره جزئیات این ماجرا به «شهروند» می گوید: «منذر و حسن اوستا کار بودند. جوشکاری می کردند. یک کارگر داشتند که حالا جسدش پیدا شده است. همین مساله نگرانی ما را خیلی بیشتر از قبل کرده است. نمی دانیم باید چه کار کنیم. دست مان به هیچ کجا بند نیست. آنها ۳ و ۴ ساله هستند و گوشی هایشان هم خاموش شده است. شاید کاش کسی برود به زیرزمین و آنها را بیرون بیاورد. شاید زنده باشند. اگر زنده باشند چه؟! اگر دیر شود باید چه کار کنیم؛ چه کسی پاسخگوست؛ چه کسی مقصر است؟ مانه به دنبال پول هستیم، نه دیه. ما خود عزیزان مان را می خواهیم که این طور بی دلیل و فقط به خاطر سهل انگاری زندگی شان در اوج جوانی نابود شد. هر دو نفرشان هر کدام دو فرزند کوچک دارند. ما ته دل مان امید داریم که شاید بتوانیم آنها را زنده و سالم ببینیم.»

بی قرار برادر

سجاد حمدرزاده یکی دیگر از کسانی است که در آوار جامانده؛ پسر ۲۹ ساله ای که خانواده اش هیچ خبری از او ندارند. برادر سجاد در این باره به خبرنگار «شهروند» گفت: «برادرم کارش آزاد بود. در کار ساخت و ساز ساختمان بود. او یک دوستی در این ساختمان داشت. آن روز هم برای اینکه او را ببیند و یک بسته ای تحویل او بدهد، به آنجا رفتم. قرار کاری با هم داشتند.

می کرد. از لحظه حادثه تا الان کسی برای ما کاری نکرده است. دست مان هم به هیچ کجا بند نیست. حتی اگر شکایت هم کنیم، باز هم می دانیم که دیگر فایده ای ندارد. این داغ بزرگ را هیچ چیزی نمی تواند تسکین دهد. چرا باید چنین ساختمانی با کمترین استانداردهای لازم ساخته شود و به بهره برداری برسد. الان چه کسی پاسخگوی این خانواده‌های داغ دیده است. من خودم پدری را دیدم که دو پسر خردسالش را درست جلوی چشمانش از دست داده بود. دو پسرش به همین آمیوه فروشی رفتند. بستنی خریدند و وقتی داشتند برمی گشتند تا به آن سوی خیابان و کنار پدرشان بروند، ساختمان روی سرشان فرو می ریزد. حالا چه کسی جوابگوی این پدر است.»

این داغ بزرگ را هیچ چیزی نمی تواند تسکین دهد. چرا باید چنین ساختمانی با کمترین استانداردهای لازم ساخته شود و به بهره برداری برسد. الان چه کسی پاسخگوی این خانواده‌های داغ دیده است. من خودم پدری را دیدم که دو پسر خردسالش را درست جلوی چشمانش از دست داده بود. حالا چه کسی جوابگوی این پدر است

فریاد کمک خواهی از میان آوار

خانواده صاحب آمیوه فروشی ادعا می کنند ساعت ۶ صبح صدای فریادهای فرزندشان را از میان تلی از خاک شنیده‌اند. یکی از بستگان ماجرای تلخ می گوید: «پسرعمه ام صاحب این آمیوه فروشی بود. او تازه سه ماه پیش این مغازه را خرید. خیلی خوشحال بود که توانسته در این برج مغازه‌ای بگیرد و کسب و کاری راه بیندازد. او به همراه پسرهای ۱۳ و ۱۰ ساله‌اش به مغازه می رفت و کار می کرد. برادرزاده ۱۳ ساله‌اش هم در آنجا بود که این اتفاق افتاد. حالا خانواده اش مانده‌اند چشم انتظار این چهار نفر. کاش کسی به داد ما برسد. آنها تا امروز صبح زنده بودند. صدای فریادهای حمید رضای ۱۳ ساله را همه خانواده شنیده‌اند. ساعت ۶ صبح صدایش از داخل ساختمان و از میان آوار شنیده شد که می گفت من حمیدرضا جلیلیان هستم، ما زنده ایم، کمک مان کنید. من مطمئنم که آنها زنده هستند. باید کسی برود و آنها را نجات دهد.»

چه کسی پاسخگوست

خیلی عصبانی و ناراحت است. این مرد جوان که خودش را از کرمانشاه به آبادان رسانده تا در کنار بستگانش باشد، در ادامه صحبت هایش می گوید: «پسرعمه ام فریب تبلیغات پر زرق و برق این برج را خورد. مالک آنجا مغازه هایش را با قیمت کمتری می فروخت. از طرفی تبلیغات زیادی هم کرده بود. بنر آن در سطح شهر پخش شده بود. برای همین پسرعمه ام آنجا را خرید و راه اندازی کرد. هر روز با پسرهایش سر کار می رفت. پسرهایش به او کمک می کردند، ولی حالا در این حادثه همگی زیر آوار مانده‌اند. همسرش مانده تک و تنها و تمام خانواده اش در میان خاک ها هستند. آنها فقط همین دو پسر، یعنی عرفان و حمیدرضا را داشتند. آری هم برادرزاده اش بود که در کنارشان کار

سیمافراهانی هنوز نمی دانند که باید رخت عزا به تن کنند یا نه. انتظاری تلخ و کشنده همه آنها را از پای درآورده است؛ همه آنها بی که بر سر و سینه شان می کوبند و اسم عزیزان شان را بر زبان می آورند؛ آنها بی که مقابل حجم عظیمی از خاک و آوار نشستند و خشمگین و نگرانند. مقابل آن آوار مرگبار منتظرند تا شاید کورسوی امیدی در آن ویران سرا تبدیل به بزرگترین معجزه زندگی شان شود. یکی پسرش زیر آوار است و آن یکی تمام اعضای خانواده اش؛ یکی چشم انتظار دوستش است و یکی دیگر هم فریاد زنان اسم همسر و پسران کوچکش را به زبان می آورد. اینجا خیابان امیری آبادان است؛ همان جایی که حالا به سیاه‌ترین نقطه کشور تبدیل شده است. مردم آبادان از ساعت ۱۲:۳۰ روز دوشنبه سیاهپوش شده‌اند. عزیزان شان را در آن برج‌های دوقلوی جنجالی و پر حاشیه جا گذاشته‌اند. ویرانه عظیم الجثه را نظاره گر هستند؛ کاری از دست شان بر نمی آید به جز اشک و دعا و چشم‌انتظاری.

چندین ساعت از تلخ‌ترین حادثه آبادان می‌گذرد. فروریختن ساختمان متروپل در خیابان امیری، سیل عظیمی از جمعیت را به آنجا کشانده است؛ خانواده‌هایی که داغدار شده‌اند یا همچنان منتظر خبری از عزیزان شان هستند؛ خانواده‌هایی که اعتراض دارند و نمی دانند که فریاد اعتراض شان را به گوش چه کسی برسانند؛ پدری که اشک می‌ریزد و مرتب اسم پسرش را صدا می‌زند؛ پسر کوچکش که رفته بود یک بستنی بخورد و به خانه برگردد، اما آوار او را بلعید و حالا خانواده اش درمانده‌اند و هیچ کاری از دست شان بر نمی‌آید. این پسر بستنی اش را از آمیوه فروشی طبقه همکف ساختمان خریده بود؛ همان آمیوه فروشی که حالا با خاک یکسان شده است و خانواده صاحب این آمیوه فروشی نگران و مستاصل آنجا مانده‌اند؛ اعتراض دارند و فقط می‌خواهند کسی برود و عزیزان شان را نجات دهد.



امکان فرو ریختن سازه ناپایدار در ساختمان متروپل

این در حالی است که احمد و حیدری، وزیر کشور نیز در محل حادثه حضور یافت و درباره این ماجرا گفت: «با توجه به سازه ناپایدار در محل حادثه عملیات امداد و نجات و آواربرداری در حادثه متروپل آبادان با حساسیت خاص دنبال می‌شود.»

وی با تسلیت این واقعه تلخ به ملت ایران و مردم شریف آبادان به خصوص خانواده جانباختگان ادامه داد: «از روز دوشنبه و در دقایق اولیه حادثه همه مسئولان استانی و محلی وارد عمل شدند. آنها همه تلاش خود را برای مهار حادثه آغاز کردند تا آواربرداری‌ها شروع شود.»

وزیر کشور نجات حادثه دیدگان زیر آوار را مهم‌ترین هدف گروه‌های امداد و نجات برشمرد و گفت: «با تلاش امداد رسانی ۲۹ شهروند از زیر آوار نجات یافتند و عملیات آواربرداری همچنان ادامه دارد. همه دستگاه‌ها همچنان در حال آواربرداری و امداد رسانی هستند. استانداری، فرمانداری، هلال احمر، اورژانس، نیروی انتظامی و نیروهای پالایشگاه آبادان همچنان مشغول

عملیات آواربرداری هستند. وجود سازه‌های ناپایدار در کنار سازه فرو ریخته، مهم‌ترین مشکل در عملیات امداد رسانی است. با وجود این، کار امداد رسانی و آواربرداری با احتیاط و حساسیت بیشتری دنبال می‌شود.» و حیدری از امکان فرو ریختن سازه ناپایدار در ساختمان متروپل خبر داد و افزود: «به همین دلیل کار با حساسیت خاصی ادامه دارد، زیرا خطرپذیری بالایی دارد.» وی با اعلام حضور تعدادی آتش نشان از تهران و استان‌های همجوار برای امداد رسانی در آبادان گفت: «از شهروندان آبادانی درخواست داریم برای جلوگیری از کاهش سرعت امداد رسانی و خطرات احتمالی به محل حادثه مراجعه نکنند. حضور مردم ضمن خطرآفرینی، کار را برای تیم‌های امداد و نجات سخت‌تر می‌کند و باید خارج از منطقه باقی بمانند. نمی‌توان پیش بینی کرد عملیات آواربرداری چه زمانی پایان خواهد یافت، ولی تلاش داریم با آواربرداری، عزیزانی را که احتمالاً زیر آوار مانده‌اند، بیرون بیاوریم.»

وزیر کشور از وجود امکانات مناسب امداد و نجات



در آبادان خبر داد و گفت: «در منطقه هیچ مشکلی نداریم، تمامی امکانات وجود دارد، ولی محدودیت‌های محیطی و سازه‌ها باعث شده روند کار با حساسیت خاصی دنبال شود.»